



فقدان مناسبت معنوی با انسان‌های متعالی؛ از مهم‌ترین عوامل توهین به مقدسات

مدیر گروه مطالعات اسلام و غرب پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بیان کرد: توهین به مقدسات، ناشی از فقدان معرفت و مناسبت وجودی و معنوی افراد موهن، با مقدسات بوده و برخی از عوامل تمدنی و فرهنگی این مسئله را در طول تاریخ تشدید کرده است.

مدیر گروه مطالعات اسلام و غرب پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بیان کرد: توهین به مقدسات، ناشی از فقدان معرفت و مناسبت وجودی و معنوی افراد موهن، با مقدسات بوده و برخی از عوامل تمدنی و فرهنگی این مسئله را در طول تاریخ تشدید کرده است.

حجت‌الاسلام و المسلمین حبیب‌الله بابایی، مدیر گروه مطالعات اسلام و غرب پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بیان نکاتی درباره ریشه‌های توهین به پیامبر اعظم(ص) پرداخت و اظهار کرد: نخست این‌که بی‌حرمتی به تقدسات و توهین به پیامبران (هم در زمان حیات و هم بعد از وفات آنها) در تاریخ گذشته غرب و شرق، در تاریخ بشریت سابقه داشته است و بسیاری از مردمان به موجب تعلقات دنیوی خود و ناهم‌خوانی آن با دکترین پیامبران الهی(ع)، درصدد آزار و اذیت آنها برآمده‌اند.

وی افزود: این توهین و حرمت‌شکنی در صدر اسلام در مورد پیامبرگرامی اسلام(ص) در مکه بارها رخ داد؛ به‌گونه‌ای که آن حضرت فرمودند: «#171؛ ما اودی نبی مثل ما اودیت؛ هیچ پیامبری مانند من مورد اذیت و آزار قرار نگرفت». همین بی‌مهری در مورد حضرت عیسی(ع) نیز انجام گرفت و نه‌تنها خود ایشان، بلکه پیروان وی (مسیحیان) نیز تا چندصد سال یعنی تا زمان ظهور کنستانتین، در غرب مورد آزار و اذیت امپراتوران روم (مانند نرون) قرار گرفتند.

حجت‌الاسلام بابایی ادامه داد: این اذیت‌ها و بی‌حرمتی‌ها تنها از سوی غیر مؤمنان به آن دین صورت نمی‌گرفت، بلکه گاه خود مؤمنان به آن دین نیز در این‌گونه از حرمت‌شکنی‌ها پیش‌قدم می‌شدند که نمونه‌های تلخ آن را در تاریخ اسلام، به‌ویژه در برخورد با ائمه معصومین(ع) و به خصوص در واقعه عاشورا می‌توان مشاهده کرد.

توهین به مقدسات و پیامبران الهی، صرفاً به موجب فقدان مناسبت سلوکی و معنوی نیز نبوده است؛ بلکه برخی از عوامل تمدنی و فرهنگی نیز این مسئله را در طول تاریخ تشدید کرده و انگیزه‌های تازه‌ای را در انجام این رفتارهای غیرانسانی و غیراخلاقی موجب شده است

نویسنده کتاب «#171؛ جستاری نظری در باب تمدن» اضافه کرد: اهانت به مقدسات و انسان‌های الهی، صرفاً به موجب فقدان شناخت از آنها نبوده است و چه بسا افرادی که شأن و منزلت پیامبر اسلام(ص) را می‌شناختند و به بزرگی امام حسین(ع) اذعان داشتند، ولی در عمل برخلاف دانسته‌هایشان عمل کرده و حفظ حرمت نمی‌کردند.

فقدان مناسبت وجودی و هویتی افراد موهن با مقدسات

وی خاطرنشان کرد: آنچه موجب این اهانت‌ها و حرمت‌شکنی‌ها بوده، نه فقدان معرفت، بلکه فقدان مناسبت وجودی و هویتی افراد موهن با مقدسات و انسان‌های متعالی بوده است. چه بسا کسانی که پیامبر گرامی اسلام(ص) را به خوبی می‌شناختند، لیکن چون در سلوک شخصی خود اهل دنیا بودند، مناسبت وجودی و معنوی را با آن پیامبر(ص) از دست می‌دادند و آنگاه توهین به متعالی‌ترین انسان‌ها برایشان سهل و آسان جلوه می‌کرد.

مدیر گروه مطالعات اسلام و غرب پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تصریح کرد: بر این اساس، نبود مناسبت، مزاج آدمی را ولو این‌که شناختی هم از مقدسات داشته باشد، تغییر داده و او را در تعامل با امور متعالی جری و گستاخ می‌کند. این مسئله‌ای است که میان انسان مسلمان شرقی و فرد یهودی یا مسیحی غربی مشترک است.

عوامل تمدنی و فرهنگی و توهین به مقدسات

وی در ادامه سخنان خود گفت: دومین نکته در باب ریشه‌های توهین به پیامبر اعظم(ص) این است که توهین به مقدسات و پیامبران الهی، صرفاً به موجب فقدان مناسبت سلوکی و معنوی نیز نبوده است، بلکه برخی از عوامل تمدنی و فرهنگی نیز این مسئله را در طول تاریخ تشدید کرده و انگیزه‌های تازه‌ای را در انجام این رفتارهای غیرانسانی و غیراخلاقی موجب شده است.

این محقق و پژوهشگر در توضیح این مطلب گفت: برای مثال یونانیان در دوره باستان، نه فقط ایرانیان، بلکه هر آنکس را که پدر و مادر هلنی نداشت، بربر می‌نامیدند. همین نوع از نگرش به دیگربودها در مناسبات آنها با ادیان، کشورها و تمدن‌های دیگر، چه تمدن‌هایی که پیرامون یونان بودند (مانند تمدن کرت یا تمدن آکئی‌ها) و چه آنهایی که از یونان فاصله داشتند، تأثیر می‌گذاشت و یونانیان افراد و ادیان متعلق به دیگر را نیز بربر و فرودست می‌انگاشتند.

وی ادامه داد: حالتی که یونانیان نسبت به شرقی‌ها داشتند همواره حالتی نفرت‌انگیز بود به‌گونه‌ای شرقیان در نظر آنان انسان‌های وحشی قلمداد می‌شدند. یونانیان، در زمان اسکندر، از این‌که با ایرانیان غذا بخورند، ناراضی بودند؛ آنها مایل بودند هرطوری که می‌خواهند با ایرانیان رفتار کنند. برای آنها رفتار مساوی با بربران ایرانی توهین به نژاد هلن تلقی می‌شد (ر.ک: سامودیل ک.ادی، آئین شهریاری در شرق، ص 8).

حجت‌الاسلام بابایی خاطرنشان کرد: این نوع از نگرش غربی‌ها به شرقی‌ها باعث شد که آنها چه در زمان اسکندر مقدونی، چه در دوره جنگ‌های صلیبی و چه بعد از ورود ناپلئون به مصر، همواره در ستیز با دیگران شرقی باشند و در رد همه چیز آنها بکوشند.

وی اضافه کرد: به موجب همین نگرش بود که یونانیان و سپس غربی‌ها، در عین این‌که به دین و تمدن ایرانیان (قبل از اسلام) و تعالی تمدن اسلامی مذعن بودند، در مواجهه با مسلمانان همواره متکبر و خودبین بوده‌اند. علی‌رغم این همه تکبر در برابر ایرانیان، آنها در مواجهه با دین ایرانیان قبل از اسلام، آیین خود را باختند و در برابر خدایان شرقی تسلیم شده و خدایان خود را به فراموشی سپردند (ر.ک: چارلز الگزاندر رابینسون، تاریخ باستان، ص 464).

مدیرگروه مطالعات اسلام و غرب پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی افزود: همچنین در زمان جنگ‌های صلیبی نیز سربازان صلیبی در برخورد با دین متمدن اسلامی در سرزمین‌های اسلامی، در دین خود تردید کرده و نسبت به مسیحیت بدگمان شده و وعده‌های پیروزی مسیحیت را دروغ انگاشتند.